

بررسی تاثیر ترحم و سرمایه اجتماعی بر توانمندسازی معلولین جسمی-حرکتی شهر جهرم

فاطمه زارعی

کارشناسی ارشد روان شناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی فسا.

نام نویسنده مسئول:

فاطمه زارعی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۰۵

چکیده

هدف از انجام این پژوهش بررسی تاثیر ترحم و سرمایه اجتماعی بر توانمندسازی معلولین جسمی-حرکتی شهر جهرم بود. جامعه آماری این پژوهش شامل معلولین جسمی-حرکتی شهر جهرم با حجم نمونه حدود ۱۵۰ نفر به شیوه نمونه گیری در دسترس انتخاب شد. تحقیق حاضر از حیث هدف، پژوهشی بنیادی و از منظر گردآوری داده ها، از نوع همبستگی بود. اطلاعات به روش کتابخانه-ای و میدانی به جمع آوری شد. به منظور گردآوری داده ها از پرسشنامه های سرمایه اجتماعی ناهاپیت و گوشال (۱۹۹۸)، محقق ساخته ترحم و توانمندسازی اسپریتشر و میشر (۱۹۹۷) استفاده شد. به منظور تحلیل داده های این پژوهش از آزمون های ضریب همبستگی اسپیرمن و رگرسیون، در نرم افزار SPSS نگارش ۲۴ استفاده شد. نتایج نشان داد بین ترحم و توانمندسازی معلولین رابطه معکوس و معناداری است و بین سرمایه اجتماعی و توانمندسازی معلولین رابطه مستقیم و معناداری است. به طور کلی نتایج نشان داد با کاهش ترحم و افزایش سرمایه اجتماعی، توانمندسازی در معلولین جسمی حرکتی شهر جهرم افزایش می یابد.

واژگان کلیدی: ترحم، توانمندسازی، سرمایه اجتماعی، معلول، معلولین جسمی-حرکتی.

طرح مساله

با تاملی ژرف پیرامون خود، در میان اعضای جامعه به گروهی برخورد می کنیم که معلول نامیده می شوند. معلول، یعنی هر شخصی که در اثر نقص مادرزادی یا سایر ناهنجاری های جسمی، ذهنی و حسی از انجام یک یا چند فعالیت اساسی در زندگی روزمره ناتوان باشد. معلول جسمی - حرکتی به فردی اطلاق می شود که به هر علت دچار ضعف یا اختلال یا ناتوانی در سیستم حرکتی باشند یا برای تحرک نیاز به پاره ای وسایل کمکی نظیر کراچ، واکر و ویلچر داشته باشند (احمدی، دستیار و باقری، ۱۳۹۶).

افراد دارای معلولیت قشر عظیمی از جامعه را تشکیل می دهند که براساس داده های سازمان جهانی کار (ICF)^۱، ۱۵ درصد از افراد جامعه را در بر می گیرند. براساس همین برآورد ۳ درصد از این افراد نیازمند خدمات توانبخشی حرفه ای هستند. علی رغم اینکه افراد دارای معلولیت از نظر آماری درصد کمی از کل جمعیت را تشکیل می دهند، ولی با نگرش به رقم آنان مشاهده می شود که قشر قابل توجهی از جامعه را شامل شده اند. مادامی که این قشر عظیم از جامعه طرد شوند و در چرخه اشتغال و تولید قرار نگیرند، نه تنها ممکن است به افرادی مصرف کننده تبدیل شوند بلکه فعالیت های اقتصادی و اجتماعی دیگر اعضای خانواده را نیز تحت الشعاع خود قرار می دهند. همین امر سبب بروز بسیاری از مشکلات اجتماعی و فرهنگی در جامعه شده اثرات مهلکی به لحاظ عاطفی و روحی روانی نظیر پریشانی، اضطراب، افسردگی و عدم اعتماد به نفس فرد را بر فرد دارای معلولیت وارد می نماید (عبادی، هاشمی شیخ شبانی، قاسم زاده، لطیفی و جعفری، ۱۳۹۲).

خدمات توانبخشی حرفه ای آن قسمت از مراحل تدریجی، پیوسته و هماهنگ، شامل تدارک گروهی از خدمات حرفه ای (راهنمایی حرف های، آموزش حرفه ای و نیز گزینش حرفه مناسب) که برای مدد دادن به افراد کم توان با نیازهای ویژه به منظور پیدا کردن و حفظ شغل در نظر گرفته شده است می باشد. بنابراین خدمات توانبخشی حرف های باید مقدماتی فراهم آورد تا افرادی که دارای معلولیت هایی هستند بتوانند استقلال اقتصادی و اجتماعی کسب کرده و شان و احترام خویش را به دست آورند. مراحل توانبخشی حرفه ای شامل ارزشیابی و راهنمایی، آموزش حرفه ای، کاریابی و اشتغال می باشد که ارزشیابی حرفه ای معلولین جويا و متقاضی کار، مشاوره و راهنمایی حرف های معلولین، آموزش فنی و حرفه ای در کارگاه های تحت پوشش سازمان های متولی، معرفی جهت آموزش فنی و حرفه ای به خارج از سازمان، ارائه خدمات سنجش علایق شغلی و استعداد حرفه ای- روانسنجی و غیره، آموزش مهارت های سازگاری اجتماعی و ارتباطی، همچنین ارتباطات مستمر بین سازمانی و خارج از دستگاه های دولتی جهت فراهم نمودن زمینه اشتغال افراد کم توان با نیازهای ویژه و آگاه سازی جامعه در جهت آشنایی با توانایی های حرفه ای افراد کم توان با نیازهای ویژه از فعالیت های آن می باشد (کمالی، باباییان و حاشیه باف، ۱۳۹۴). برنامه توانمندسازی^۲ که اخیراً برای پیشگیری در حوزه های مختلف به کار برده می شود بر آموزش مهارت های فردی و اجتماعی تاکید دارد و از طرف بسیاری از موسسات علمی از جمله انجمن روانشناسی آمریکا به عنوان موثرترین رویکرد پیشگیری شناخته شده است (رضاییان، رسولی، عسکر بیوکی و اصل دهقان، ۱۳۹۸). این برنامه منجر به ارتقای بهداشت روانی، غنای روابط، افزایش سلامت و رفتارهای سالم افراد در سطح جامعه می گردد. توانمندسازی همان برنامه آموزش مهارت های زندگی است، با این تفاوت که با توجه به نوع گروه ها و نیازهای متنوع، برنامه آموزش خاصی تدوین و اجرایی می شود (الهی، ۱۳۹۶). نتایج پژوهش ها نشان داده است آموزش هایی که در جهت توانمندسازی انجام می گیرد منجر به کاهش استرس افراد، بهبود کیفیت زندگی، بهبود روانشناختی، تسهیل تصمیم گیری، مراقبت از خود، مدیریت موثر در مشکلات و تصمیم گیری مناسب در گروه های مختلف، سازگاری، کاهش درماندگی می شود (رضاییان و همکاران، ۱۳۹۸).

در یکی از بهترین بررسی های تجربی انجام شده در مورد توانمندسازی تا به امروز، اسپریتز^۳ (۱۹۹۲) چهار بعد را برای توانمندسازی شناسایی کرد. وتن و کمرون^۴ (۱۹۹۸) بر اساس پژوهش میشر^۵ (۱۹۹۲) یک بعد دیگر به مدل او افزودند. این ۵

¹ International Classification of Functioning, Disability and Health

² Empower Program

³ Spreitzer

⁴ Vetton & Cameron

⁵ Mishra

بعد عبارتند از: احساس خوداثربخشی^۶ (احساس شایستگی شخصی)، احساس خودمختاری^۷ (احساس انتخاب شخصی)، پذیرفتن شخصی نتیجه (احساس موثر بودن)، احساس معنی دار بودن^۸ (احساس ارزشمندی کار) و احساس اعتماد به دیگران^۹ (احساس امنیت) (احمدی و همکاران، ۱۳۹۶).

بنابراین، هدف توانمندسازی کمک به افراد ضعیف است تا تلاش کنند بر ضعف هایشان غلبه کنند و جنبه های مثبت زندگی شان را بهبود ببخشند و استعدادهای خود را شکوفا کنند. بنابراین مقتضی است به توانمندسازی و استقلال افراد ناتوان و عوامل تأثیرگذار بر آن توجه شود. از عواملی که ممکن است در توانمندی معلولان نقش داشته باشد، اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، فعالیت های ورزشی، رفتارهای ترحم آمیز، میزان تحصیلات، سن و نوع معلولیت آن هاست (دستیاری و محمدی، ۱۳۹۷).

مروری بر تاریخچه ناتوانی نشان می دهد رفتار غالب جوامع با افراد معلول و ناتوان به دور از هر گونه عدالت اجتماعی و رفتارهای انسانی بوده است. افراد دارای ناتوانی با چالش های زیادی در خانواده و جامعه روبرو هستند. یکی از این چالش ها رفتار نامناسب خانواده و مردم است. خانواده ها و مردم رفتار خوبی با آنها ندارند. این مساله موجب مشکلات روحی روانی و گوشه گیری در اشخاص دارای ناتوانی و معلولیت محسوب می شود. وضعیت جسمانی این افراد نباید آن ها را از حقوق فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی محروم کند (غفارپورنافتی و محمدی، ۱۳۹۶).

به طور کلی توانمندسازی باعث می شود افراد معلول و خانواده های آنان با ارتقای توانمندی های خود به روند توسعه جامعه خود کمک کنند. همچنین معلولین باید حمایت شوند تا از کمک دیگران بی نیاز شوند، متکی به خود بار آیند و از توانایی های آنان حداکثر استفاده بشود (دستیاری و محمدی، ۱۳۹۷).

سرمایه اجتماعی تعیین کننده میزان وابستگی اجتماعی افراد جامعه است و همچنین مفهومی مهم در کنش ها و روابط اجتماعی به شمار می رود و شخص از طریق برقراری ارتباط با دیگران به این نوع سرمایه دست پیدا می کند. سرمایه اجتماعی ثروتی است که در جوامع انسانی وجود دارد، اما حفظ و تولید آن به تحقق شرایطی نیاز دارد. تحقیقات نیز نشان داده اند در جوامعی که مردم با یکدیگر رابطه متقابل دارند و از سرمایه اجتماعی بالاتری برخوردار هستند نسبت به مردم کشورهای دیگر سالم ترند. سرمایه اجتماعی معلولان شامل روابط شبکه های اجتماعی (دوستان، خانواده، جامعه و غیره) و تلاش در حل مسائل و صحبت کردن با یکدیگر است. همان طور که پورتنس بیان می کند سرمایه اجتماعی در بیرون از خانواده در روابط بین افراد با یکدیگر شکل گرفته و موجب بهبود وضعیت زندگی فرد می شود (میریوسفی و رحیمی، ۱۳۹۶).

سرمایه اجتماعی، مفهومی اساسی است که در دهه های اخیر به عنوان دارایی باارزش برای توانمندی و تولید و افزایش سرمایه انسانی-اقتصادی پذیرفته شده است. اهمیت سرمایه اجتماعی در این است که سبب اجتماع افراد شده، باعث می شود با همدیگر به طور موفقیت آمیز کارها را به انجام برسانند. واژه سرمایه نیز تاکید بر این دارد که سرمایه اجتماعی مثل سرمایه انسانی یا مالی مولد است: این سرمایه شما را قادر می سازد تا ارزشی به وجود آورید، کاری انجام دهید، به هدفی نایل شوید، ماموریتی را در زندگی انجام داده و نقشی در جهان ایفا کنید. لذا هیچ فردی نمی تواند بدون سرمایه اجتماعی به موفقیت نایل شود (نظری، ۱۳۹۶).

با توجه به نظریه بورديو^۱، سرمایه اجتماعی نوعی ابزار دسترسی به منابع اقتصادی و فرهنگی از طریق ارتباطات اجتماعی می باشد. تاکید بورديو بر مشارکت فرد در شبکه های اجتماعی است که این مشارکت سبب دسترسی او به منابع و امکانات گروه می شود. پس تئوری بورديو به فهم این نکته کمک می کند چگونه فرد می تواند با استفاده از سرمایه اجتماعی موقعیت اقتصادی خود را افزایش دهد پس در دیدگاه بورديو، سرمایه اجتماعی نوعی محصول اجتماعی است که ناشی از تعامل اجتماعی می باشد (بورديو، ۱۹۹۳).

6 Self-efficacy

7 Self-Determination

8 Meaning

9 Trust in other

اکبری و مومنی مهموئی (۱۳۹۴) در پژوهشی که نقش توانمندسازی در کیفیت زندگی نابینایان را بررسی می کرد، به این نتیجه رسیدند که معلولیت نابینایی باعث افسردگی، کاهش عملکرد فرد و کاهش کیفیت زندگی می شود و ارائه خدمات توانبخشی باعث بهبود عملکرد و افزایش کیفیت زندگی فرد نابینا می گردد.

احمدی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی نشان دادند بین سن، وضعیت تاهل و ازدواج با توانمندسازی معلولان جسمی رابطه معناداری وجود ندارد. اما بین سرمایه اجتماعی (با سه بعد ساختاری، ارتباطی و شناختی) و توانمندسازی معلولان رابطه معناداری وجود دارد.

غفارپورنافچی و محمدی (۱۳۹۶) در پژوهشی نشان دادند بین متغیرهای سرمایه اجتماعی، نحوه گذران اوقات فراغت، ارائه خدمات توانبخشی و حمایت خانواده با پذیرش افراد ناتوان همبستگی معناداری است. همچنین نشان دادند بین جنسیت، سن و پذیرش افراد ناتوان در جامعه تفاوت معناداری وجود ندارد. اما بین میزان تحصیلات و پذیرش آنها رابطه معناداری است و افراد با تحصیلات بیشتر میانگین پذیرش بیشتری در جامعه دارند که این خود به توانمندی آنها می افزاید.

خسروی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی نشان دادند بین خرده مقیاس های حمایت اجتماعی، با مولفه های روانی (آسایش و خودپنداری) و سرمایه اجتماعی (روابط اجتماعی و روابط فامیلی) با کیفیت زندگی در معلولین جسمی حرکتی رابطه مثبت و معناداری است.

دستیار و محمدی (۱۳۹۵) در پژوهشی نشان دادند رفتارهای ترحم آمیز بر توانمندسازی معلولان جسمی حرکتی تاثیر منفی دارد و هر چه با معلولان به طور دلسوانه برخورد و رفتار شود، توانمندی آنها کمتر می شود. با توجه به مسائل بیان شده، هدف از این پژوهش، بررسی این سوال است که ترحم و سرمایه اجتماعی چه تاثیری بر توانمندسازی معلولین جسمی-حرکتی شهر جهرم دارد؟

مبانی نظری تحقیق

نظریه بوردیو : به اعتقاد بوردیو سرمایه می تواند در سه شکل مختلف خود را نشان دهد: سرمایه اقتصادی که قابل تبدیل به پول بوده و در شکل حق مالکیت نهادینه می شود. سرمایه فرهنگی که تحت شرایط خاصی تبدیل به سرمایه اقتصادی بوده و در شکل مدارج تحصیلی نهادینه می شود. و بالاخره سرمایه اجتماعی که تحت شرایط خاصی قابل تبدیل به سرمایه اقتصادی بوده و در شکل اصالت و شهرت ممکن است نهادینه شود (نظری، ۱۳۹۶).

بوردیو، جامعه شناس فرانسوی جزو اولین محققای بود که به تحلیل سیستماتیک ویژگی های سرمایه اجتماعی پرداخت. بر اساس تعریف بوردیو سرمایه اجتماعی حاصل جمع منابع بالقوه و بالفعلی است که نتیجه مالکیت شبکه بادوامی از روابط نهادی شده بین افراد و به عبارت ساده تر، عضویت در گروه است. البته سرمایه اجتماعی مستلزم شرایطی به مراتب بیش از وجود صرف شبکه پیوند ها می باشد. در واقع پیوند های شبکه ای می بایست از نوع خاصی می باشند، یعنی مثبت و مبتنی بر اعتماد.

به اعتقاد بوردیو، سرمایه اجتماعی به عنوان شبکه ای از روابط ودیعه طبیعی یا ودیعه اجتماعی نیست، بلکه چیزی است که در طول زمان برای کسب آن باید تلاش کرد. به تعبیر بوردیو، سرمایه اجتماعی محصول نوعی سرمایه گذاری فردی یا جمعی، آگاهانه یا ناآگاهانه است که به دنبال تثبیت یا باز تولید روابط اجتماعی است که مستقیماً در کوتاه مدت یا بلند مدت قابل استفاده هستند (بوردیو، ۲۰۱۳).

با توجه به نظریه بوردیو، سرمایه اجتماعی نوعی ابزار دسترسی به منابع اقتصادی و فرهنگی از طریق ارتباطات اجتماعی می باشد. تاکید بوردیو بر مشارکت فرد در شبکه های اجتماعی است که این مشارکت سبب دسترسی او به منابع و امکانات گروه می شود. پس تئوری بوردیو^۱ به فهم این نکته کمک می کند چگونه فرد می تواند با استفاده از سرمایه اجتماعی موقعیت اقتصادی خود را افزایش دهد پس در دیدگاه بوردیو، سرمایه اجتماعی نوعی محصول اجتماعی است که ناشی از تعامل اجتماعی می باشد (بوردیو، ۲۰۱۳).

نظریه پوتنام : سومین متفکر برجسته در زمینه سرمایه اجتماعی رابرت پوتنام، استاد علوم سیاسی هاروارد است. پوتنام بیشتر بر تاثیر سرمایه اجتماعی در سطح ملی علاقه مند می باشد، اینکه سرمایه اجتماعی چه تاثیری بر نهاد های دموکراتیک و

در نهایت بر توسعه اقتصادی دارد. پونتام از سرمایه اجتماعی می نویسد: اعتماد، هنجارها و شبکه‌هایی که همکاری و تعاون را برای نیل به منافع متقابل آسان می سازد. تفاوت عمده بین پونتام با کلمن و بورديو در این است که پونتام این مفهوم را فراتر از سطح فردی و در سطح ملی به کار گرفته است. به اعتقاد پونتام شبکه‌های مدنی (نظیر انجمن های شکل گرفته در نظام همسایگی، تعاونی ها، باشگاه های ورزشی و نظیر آنها) از اشکال اساسی سرمایه اجتماعی محسوب می شود این شبکه‌ها هنجارکنش و واکنش متقابل را در جامعه تقویت می کنند. (پانتام، ۲۰۱۳ و فوکویاما، ۲۰۱۵). از بحث های اساسی که چند دهه اخیر وجود داشته این است که نهادها از یکسو و هنجارهای اجتماعی و فعالیت های فرهنگی از سوی دیگر چقدر برای تحقق یا ثبات رژیم های دموکراتیک سیاسی اهمیت دارند. این بحث در شکل جدید خود در دهه ۱۹۶۰ مجدداً پدیدار گشت، زمانی که طرفداران تندروری نهادها (مثل ساموئل هانتینگتون^{۱۰}) با طرفداران تندروری فرهنگ مدنی (مثل آلموند و وربا^{۱۱}) روبه روی هم قرار گرفتند. پونتام از جمله متفکران سیاسی است که با گروه مکتب فرهنگ مدنی بیشتر موافق است. به اعتقاد پونتام، تفاوت در سرمایه اجتماعی علت اصلی ایجاد تفاوت بین مناطق مختلف در زمینه اجتماع مدنی است. به عبارت دیگر، مناطق دارای سرمایه اجتماعی زیاد دارای اجتماع مدنی زنده و پرشوری بوده و در نتیجه، اقتصاد پررونق داشته و نهادهای سیاسی فعال دارند، ولی مناطق دارای سرمایه اجتماعی اندک هم در عرصه اجتماع و هم در عرصه اقتصاد و سیاست دچار مشکل هستند (پانتام، ۲۰۱۳ و فوکویاما، ۲۰۱۵). به طور کلی، تئوری های مربوط به سرمایه اجتماعی را می توان به دو گروه عمده تقسیم نمود:

الف) در گروه اول به تبعیت از پونتام (۱۹۹۳)، سرمایه اجتماعی پدیده ای فرهنگی تعریف می شود که نشان دهنده میزان اهمیت و توجه اعضای جامعه نسبت به امور مدنی بوده و بیانگر وجود هنجارهای اجتماعی مروج کنش جمعی و میزان اعتماد به نهادهای عمومی می باشد. تحقیق پونتام در ایتالیا نشان داد که سرمایه اجتماعی در درازمدت انباشته می شود. در این معنا، سرمایه اجتماعی ویژگی های یک کالای جمعی و عمومی را دارد (نظری، ۱۳۹۶).

ب) در گروه دوم، برخلاف تعریف پونتام، و به تبعیت از دیدگاه پی یر بورديو (۱۹۸۶) سرمایه اجتماعی نوعی سرمایه گذاری افراد در شبکه‌های اجتماعی تلقی می شود. در این معنا، سرمایه اجتماعی یک کالای خصوصی و شخصی می باشد که می تواند به سرمایه فرهنگی تبدیل شده و بیانگر پایگاه اجتماعی فرد باشد. لذا اندوخته سرمایه اجتماعی فرد بیانگر قدرت او در جامعه می باشد. کلمن نیز به همین سیاق بر مزایای سرمایه اجتماعی برای فرد یا برای شبکه افراد تاکید دارد. به اعتقاد کلمن، هنجار کنش و واکنش متقابل بر سرمایه اجتماعی حاکمیت دارد و سرمایه اجتماعی می تواند از طریق تسهیل کنش جمعی اثرات مثبت اقتصادی در سطح ملی داشته باشد. بدین سان، از نظر کلمن، سرمایه اجتماعی در حد واسط بین کالای شخصی و کالای عمومی قرار دارد. برخی از محققان، دیدگاه بورديو و کلمن را در مورد سرمایه اجتماعی در یک ردیف قرار می دهند زیرا هر دوی آن ها بر اندیشه کنش و واکنش متقابل در روابط اجتماعی و اقتصادی تاکید دارند. براساس هر دو این تفسیر سرمایه اجتماعی امر معاملات اقتصادی را تسهیل می نماید، هر چند که مکانیسم عمل آن کاملاً متفاوت است (هامپسون^{۱۲}، ۲۰۱۲).

نظریه های ترحم و توانمند سازی

نظریه درمان گروهی: منظور این است که خود معلول، چنانچه در جمعی متشکل از معلولان جای گیرد، بار معلولیت را کاهش می دهد. می بیند و می داند که بسیاری همانند او هستند. حتی برخی معلولیت بیشتری نیز دارند و در مقابل به طور مثبتی با آن کنار آمده و توفیق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی اخذ نموده اند. از این رو بار معلولیتی که در جامعه سالم به دوش می کشند، کاهش می یابد و در جمع دیگر معلولان، احساس آرامش می کند. بار معلولیت خود را ترمیم نموده در نهایت بار کمتری برای او باقی می ماند. هر قدر تعداد اعضای باشگاه بیشتر باشد، ترمیم بار بهتر صورت می گیرد و در نتیجه آرامش بیشتری نصیب فرد می شود. ناتوانی معلولان بیشتر از آنکه ذاتی و طبیعی باشد، آموخته است. نگاه دیگران، رفتار آنان و واکنش های منفی آنان این ناتوانی آموخته را تشدید می کند (دستیار و محمدی، ۱۳۹۵).

حتی واکنش های نظیر ترحم می تواند مانع تحقق توانایی شود. با ترحم، در عمل فرد مقابل را کوچک و به او اندیشه ناتوانی را القا نموده ایم. هیچ یک از این حرکات در جهت توانمندسازی معلولان مفید نیست. گذشته از این، تصویر ذهنی معلول از خود، ناشی از واکنش دیگران و حتی تصویر ذهنی آنان از اوست. اینجاست که در تفسیر معلولیت می توان از نظریه کولی استفاده کرد. وی نظریه خود آینه ای را مطرح نمود. به اعتقاد وی، تصویری که یک فرد از خود دارد، ناشی از تصور تصویری است که دیگری از او دارد. چنانچه تصور نماید دیگری او را معلول و کوچک و ناتوان می داند، به همان صورت، تصویر خود را سامان داده متعاقب آن رفتار خود را شکل می دهد. توجه به معلولیت به نوعی نماید اجتماعی نیز هست. جامعه ای که معلولیت را در حوزه قبض قرار می دهد، حداکثر توان آنان را به کار می گیرد و ساختارهای توانمندی تولید می کند، خود به عرصه پایدار راه می یابد (ساروخانی، ۱۳۹۱).

نظریه کنش ارادی پارسنز^{۱۳}: طبق این نظریه، کنشگر (مثلا فرد معلول) در انتخاب ابزار جهت دستیابی به اهداف، متأثر از: (الف) شرایط زیستی، ارثی و محیطی و (ب) عقاید، باورها و نرم های جاری جامعه است. اهداف مطلوب کنشگر، متأثر از شرایط اجتماعی، فرهنگی و طبیعی (محیطی) تعریف می شوند. در ضمن کنشگر از دو جهت متأثر از محیط و فرهنگ جامعه است. زیرا از یک سو به طور مستقیم، در آن محیط و فرهنگ زندگی می کند و جامعه و محیط بر او اثر مستقیم دارند. از جهت دیگر به طور غیر مستقیم کنشگر به واسطه انتخاب محیط و فرهنگ زندگی می کند و جامعه و محیط بر او اثر مستقیم دارند (دستیار و محمدی، ۱۳۹۵).

از جهت دیگر به طور غیر مستقیم، کنشگر به واسطه انتخاب اهداف که آنها نیز متأثر از شرایط محیطی و فرهنگی بوده اند، متأثر می شود. طبق این نظریه، کنشگر و عامل در خلا زندگی نمی کند، بلکه در محیط طبیعی و اجتماعی درصدد کسب ابزار مناسب جهت دستیابی اهداف مورد نظرش زندگی می کند و اهداف او متأثر از شرایط اجتماعی و فرهنگی خود می باشد و همچنین این نظریه بیان می کند که اگر عقاید، باورها و نرم های جاری جامعه نسبت به کنشگر طوری باشند و برخورد شکننده با وی نداشته باشند، در توانمندی و افزایش اعتماد به نفس او در زمینه های مختلف تاثیر زیادی دارد. زیرا کنشگر در دیدگاه پارسونز، مطلقا آزاد نیست. بلکه آزادی او به واسطه شرایط محیطی و فرهنگی محدود تعریف می شود (آزاد ارمکی، ۱۳۹۲).

فرضیه های پژوهش

ترحم بر توانمندسازی معلولین جسمی-حرکتی شهر جهرم تاثیر معناداری دارد.
 سرمایه اجتماعی بر توانمندسازی معلولین جسمی-حرکتی شهر جهرم تاثیر معناداری دارد.

روش شناسی پژوهش

با توجه به موضوع پژوهش، پژوهش حاضر، جز پژوهش های بنیادی و توصیفی از نوع همبستگی است. حجم نمونه حدود ۱۵۰ نفر به شیوه نمونه گیری تصادفی در دسترس انتخاب شد. پس از جمع آوری پرسشنامه های تحقیق با استفاده از نرم افزار SPSS نگارش ۲۵، فرضیه های تحقیق، آنالیز شد. با توجه به ماهیت فرضیه ها، از آزمون رگرسیون جهت تحلیل استفاده شد. برای جامعه آماری اهداف تحقیق برای نمونه آماری توضیح داده شده و شفاف سازی گردید. نحوه آزمون و نحوه همکاری نمونه آماری و رفع سوالات آنها شرح داده شد. محرمانگی اطلاعات اطمینان داده شد و هر فرد در هر زمان که مایل بود، قادر به ترک آزمون داشت. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه شامل:

پرسشنامه محقق ساخته ترحم: این پرسشنامه اقتباسی از پژوهش های دستیار و محمدی (۱۳۹۷) و قاسمی برقی، حسن زاده، جوادی، اسدی، بیات، ساعی پور و چوبینه (۱۳۹۰) می باشد. این پرسشنامه ۱۷ سوالی با ابعاد ۱- برخورد اطرافیان

(سوالات ۱ تا ۱۲) و ۲- مشارکت رسمی (سوالات ۱۳ تا ۱۷) طراحی شد. پایایی آن ۰/۹۰ به دست آمد که نشان از مطلوب بودن پایایی پرسشنامه است.

پرسشنامه سرمایه اجتماعی ناهاپیت و گوشال^{۱۴} (۱۹۹۸): این پرسشنامه ۲۴ سوالی با ابعاد ۱-شناختی (سوالات ۱، ۵، ۱۰، ۱۵، ۱۸، ۲۲)، ۲-ارتباطی (سوالات ۲، ۴، ۶، ۷، ۸، ۱۱، ۱۳، ۱۴، ۱۷، ۲۳، ۲۴) و ۳-بعد ساختاری (۳، ۹، ۱۲، ۱۶، ۱۹، ۲۰، ۲۱) بر اساس طیف ۵ تایی لیکرت (خیلی زیاد=۵، ...، خیلی کم=۱) طراحی شده است. پایایی پرسشنامه، ۰/۹۷ به دست آمد که نشان از مطلوب بودن پایایی پرسشنامه است.

پرسشنامه توانمندسازی اسپریتشر و میشر^{۱۵} (۱۹۹۷): این پرسشنامه ۱۵ سوالی با ابعاد ۱-شایستگی (سوال ۱-۳)، ۲-خودمختاری (سوال ۴-۶)، ۳-بعد تاثیرگذاری (سوال ۷-۹)، ۴-بعد معنی دار بودن (سوال ۱۰-۱۲) و ۵-بعد اعتماد (سوال ۱۳-۱۵) بر اساس طیف ۵ تایی لیکرت (خیلی زیاد کاملاً موافقم=۵، ...، کاملاً مخالفم=۱) طراحی شده است. پایایی پرسشنامه، ۰/۹۵ به دست آمد که نشان از مطلوب بودن پایایی پرسشنامه است.

یافته های پژوهش

جدول ۱- توزیع فراوانی ویژگی جمعیت شناختی

بازه سنی	فراوانی	درصد فراوانی	سطح تحصیلات	فراوانی	درصد فراوانی
۳۰-۳۵ سال	۲۳	۱۵.۳۳	زیر دیپلم	۸۴	۵۶
۳۶-۴۱ سال	۳۶	۲۴	دیپلم	۲۸	۱۸.۶۶
۴۲-۴۷ سال	۵۴	۳۶	فوق دیپلم	۲۹	۱۹.۳۳
۴۷ به بالا	۳۷	۲۴.۶۶	لیسانس	۹	۶
مجموع	۱۵۰	۱۰۰	مجموع	۱۵۰	۱۰۰

بیشترین میانگین مربوط به بازه سنی ۴۲-۴۷ سال (۳۶ درصد) و بیشترین میانگین مربوط به سطح تحصیلی زیر دیپلم (۵۶ درصد) مشاهده شد.

جدول ۲- تعیین ارتباط و همبستگی بین متغیرها

	ترجم	سرمایه اجتماعی	
توانمندسازی	ضریب همبستگی اسپیرمن	-۰/۱۲۸	۰/۷۰۹
	سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۱۳
	مجموع	۱۵۰	۱۵۰

نتایج آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن نشان داد، بین توانمندسازی و ترجم رابطه معنادار و معکوسی با ضریب همبستگی به میزان -۰/۱۲۸ و بین توانمندسازی و سرمایه اجتماعی رابطه مستقیم و بسیار مطلوبی به میزان ۰/۷۰۹ وجود دارد و فرضیه تایید شد ($P_Value < 0/05$).

نتایج نشان داد با کاهش ترجم و افزایش سرمایه اجتماعی، توانمندسازی نیز افزایش می یابد.

¹⁴ Nahapiet and Ghoshal

¹⁵ Spreitzer and Mishra

جدول ۳- نتایج ضریب رگرسیون

توانمندسازی و ترحم	بتا/ضریب رگرسیون	t	سطح معنادار
توانمندسازی و سرمایه اجتماعی	۰/۷۵۸	۰/۷۰۹	۰/۰۰۱
توانمندسازی و ترحم	-۰/۱۱۱	-۹/۹۶۲	۰/۰۰۰

نتایج آزمون ضریب رگرسیون نشان داد فرضیه تایید شده است ($P_Value < 0/05$). همچنین مقدار بتا (ضریب رگرسیون) نشان داد ترحم، به طور معکوسی و به میزان ۰/۱۱۱ - درجه و سرمایه اجتماعی به طور مستقیم و به میزان بسیار مطلوب ۰/۷۵۸ درجه قادر به پیش بینی توانمندسازی می باشد.

بحث و نتیجه گیری

توانمندسازی فرایندی است که نتیجه نهایی آن خروج معلولین از چرخه فقر و رسیدن به خوداتکایی و خودکفایی و پیوستن به جریان اصلی زندگی است. با توانمندسازی معلولین می توان جامعه ای بهتر و سالم تر طرح ریزی کرد و شناخت صحیح از این پدیده و آگاهی از توانمندسازی افراد دارای ناتوانی و استفاده بهینه از این نیرو، گان موثری در جهت توسعه کشور است. ترحم به معلولین نه تنها باعث توانمندسازی آنها نمی شود بلکه آنها را به سمت شکست و انزوا سوق می دهد، یعنی هر چه بیشتر به یک معلول ترحم شود کمتر توانمند می شود و برعکس. معلولین نیاز به ترحم ندارند. بلکه نیاز به احترام دارند. همچنین سرمایه اجتماعی بر توانمندسازی معلولین تاثیر بسیار مطلوب دارد. با توجه به یافته های تحقیق با کاهش ترحم (فرضیه اول) و افزایش سرمایه اجتماعی (فرضیه دوم)، توانمندسازی نیز افزایش می یابد.

نتایج به دست آمده با نتایج پژوهش های دستیار و محمدی (۱۳۹۵)، دستیار و محمدی (۱۳۹۷)، احمدی و همکاران (۱۳۹۶)، عبادی و همکاران (۱۳۹۲)، غفارپورنافتی و محمدی (۱۳۹۶)، کمالی و باباییان (۱۳۹۴) و میریوسفی و رحیمی (۱۳۹۶) همسو بود. همگی آنها به این نتیجه رسیدند که ترحم به معلولین موجب کاهش و یا از بین رفتن توانایی های آنها می شود و حمایت های دوستان، خانواده و اجتماع موجب افزایش توانمندی های معلولین می گردد و آنها را در چرخه زندگی مفید با هدف های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قرار می دهد.

در رابطه با فرضیه اول پیشنهاد می شود افراد خانواده با افزایش تعداد فرزندان، از کاهش توجه به معلول خودداری نمایند و همیشه سعی در تقویت اراده، اعتماد به نفس، روحیه برای پیشرفت وی داشته باشند. مسئولین دولتی و سازمان بهزیستی در صورت توان امکانات کافی برای عضو معلول فراهم نمایند تا از وابستگی آنها به دیگران خودداری نمایند. افراد جامعه، معلولین را مورد آزار کلامی قرار ندهند. برخورد اطرافیان با آنها ترحم انگیز و دلسوزانه نباشد. امکان عضویت در تیم های ورزشی، در تفریحات دسته جمعی، در فعالیت های فرهنگی-اجتماعی مانند جشن ها و مراسم و امور مذهبی برای آنها فراهم باشد. با توجه به فرضیه دوم پیشنهاد می شود در سازمان های مربوط به امور معلولین، اهداف و ارزش های مشترکی برای معلولین در نظر گرفته شود. افراد با اشتیاق، اهداف مربوط به معلولین را دنبال نمایند. اطرافیان، خود را جز خانواده بزرگ و مشترک معلولین تلقی، از آنها حمایت و برای احساسات آنها احترام قائل باشند. سازمان ها، اطلاعات، ایده ها و دیگر منابعشان را برای انجام وظایف خود در قبال معلولین، ارائه نموده، با آنها همکاری نمایند و به رفع مشکلاتشان کمک کنند.

منابع

- [۱] احمدی، حبیب؛ دستیار، وحید و باقری، لیلا. (۱۳۹۶)، تاثیر ازدواج بر توانمندسازی معلولین جسمی با میانجیگری سرمایه اجتماعی. دو فصلنامه مشارکت و توسعه اجتماعی. ۲(۴): ۷۹-۱۱۳.
- [۲] آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۹۲)، نظریه های جامعه شناسی. تهران: سروش: انتشارات صدا و سیمای ایران.
- [۳] دستار، وحید و محمدی، اصغر. بررسی رابطه بین ترحم به معلولین جسمی و توانمندسازی آنها در سازمان بهزیستی کهگیلویه و بویراحمد. سومین کنفرانس جهانی فیزیولوژی و آموزشی. ۱۳۹۵.
- [۴] دستیار، وحید و محمدی، اصغر. (۱۳۹۷)، سنجش توانمندسازی معلولان جسمی و عوامل مرتبط با آن در استان کهگیلویه و بویراحمد. نشریه توانبخشی. ۱۹(۴): ۳۵۷-۳۶۷.
- [۵] رضاییان، حمید؛ رسولی، رویا، عسکر بیوکی، سمیرا و اصل دهقان، فاطمه. (۱۳۹۸)، اثربخشی توانمندسازی روان شناختی بر ارتقای بهزیستی روان شناختی و کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار. فصلنامه مددکاری اجتماعی. ۷(۴): ۶-۱۴.
- [۶] عبادی، علی؛ هاشمی شیخ شبانی، اسماعیل؛ قاسم زاده، رویا؛ لطیفی، محمود و جعفری، غلام علی. (۱۳۹۲)، تعیین موانع اشتغال افراد دارای معلولیت جسمی حرکتی و کاربردهای آن برای مدیران توانبخشی، ۹-۲۲، مجله مطالعات ناتوانی. ۳(۲): ۹-۲۲.
- [۷] غفاریورنافچی، شهربانو و محمدی، اصغر. (۱۳۹۶)، عوامل مؤثر بر پذیرش افراد دارای ناتوانی در جامعه در شهر کرد. نشریه توانبخشی. ۱۸(۳): ۲۰۳-۲۱۵.
- [۸] قاسمی برقی، رضا؛ حسن زاده، غلامرضا؛ جوادی، مریم؛ اسدی، مریم؛ بیات، بهناز؛ ساعی پور، نرگس و چوبینه، حمید. (۱۳۹۰)، بررسی نظرات معلولین و خانواده آنها درخصوص معلولیت در شهرهای قزوین و کرج، مجله دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران (پیاورد سلامت)، دوره پنجم، شماره ۲، صص ۷۱-۷۷.
- [۹] کمالی، محمد؛ باباییان، نسرين و حاشیه باف، عطیه. (۱۳۹۴)، بررسی دیدگاه مربیان و متخصصان توانبخشی حرف های در مورد تاثیر کارگاه های حرفه آموزی بر توانبخشی حرف های افراد کم توان ذهنی و جسمی. فصلنامه مددکاری اجتماعی. ۴(۲): ۴۲-۴۹.
- [۱۰] میروسی، جلیل و رحیمی، یداله. (۱۳۹۶)، رابطه مشارکت ورزشی و سرمایه اجتماعی جانبازان و معلولان در شهر کرمان. فصل نامه علمی - پژوهشی طب جانباز. ۹(۳): ۱۴۸-۱۵۳.
- [۱۱] نظری، نادره. (۱۳۹۶)، رابطه سرمایه اجتماعی و هوش هیجانی با گرایش به بزهکاری در میان دانش آموزان دختر پایه دهم شهرستان جهرم. پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز.
- [۱۲] الهی، زینب. (۱۳۹۶)، بررسی ارتباط مدیریت دانش، تعهد سازمانی و ارتقا توانمندسازی شغلی کارکنان بهره برداری شهرستان های شرکت گاز استان فارس، پایان نامه کارشناسی ارشد تولید، دانشگاه مدیریت صنعتی.
- [13] Akbari Z, Momeni Mahmoie H. [Empowerment of the blind persons (Persian)]. Paper presented at: 3th National Conference on Psychology and Behavioral Sciences. 13 August 2015; Tehran: Iran. [Persian]
- [14] Bourdieu, Pierre. (1993), theory of action, translated by Seyyed Morteza man, Tehran: Stencils.
- [15] Coleman, James (2012), Theoretical Social Foundations, Translation: Manouchehr Saboori, Tehran: Nayer Rey.
- [16] Fukuyama, Ferl. (2015), The Dissertation of Order, Social Capital, and Preservation. Translator Ghulam Abbas Tavassoli, Tehran: Iranian Society.

- [17] Hampson, Kesler. (2012). the role of emotional intelligence in the criminal activity of young people involved with the leads youth offending service.university of leeds, school of law.
- [18] Khosravi Tapeh N, Raheb G, A'rshi M, Eglima M. [The Relationship evaluation between physical disabled's social support and life quality in Raad's Education Centres (Persian)]. Archives of Rehabilitation.2015; 16(2):176-85. [Persian]
- [19] Mishra Aneil & Gretchen M. Spreitzer (1997), "Survivor Responses to Downsizing: the Mitigating Effects of Trust and Empowerment"; Southern California Studies Center. Quinn, Robert E. & Gretchen M. Spreitzer .
- [20] Nahapiet, Janine& Ghoshal, Sumantra (1998). Social Capital, Intellectual Capital, and Organizational Advantage. The Academy of Management Review, 23(2), pp.242-266.
- [21] Nahapiet, Janine& Ghoshal, Sumantra (1998). Social Capital, Intellectual Capital, and Organizational Advantage. The Academy of Management Review, 23(2), pp.242-266.
- [22] Putnam, Robert. (2015), Democrats and Civil Cults, Translated by: Mohammad Taghi Dolfrooz, Tehran: Bureau of Political Studies, Ministry of Interior.
- [23] Spreitzer, Gretchen M . (1995) "Psychological Empowerment in the Workplace: Dimensions , Measurement and Validation"; The Academy of Management Journal, Vol . 38 No . 5.